

## موانع مشارکت و توانمندسازی زنان روستایی در توسعه پایدار

راضیه نامدار<sup>۱</sup>، ندا علی توکلی<sup>۲</sup>

۱- استادیار بخش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه شیراز [raz.namdar@yahoo.com](mailto:raz.namdar@yahoo.com)  
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج کشاورزی و زیست بوم منابع انسانی پایدار؛ [neda8481@gmail.com](mailto:neda8481@gmail.com)

### چکیده

دستیابی به توسعه و بهبود کیفیت زندگی از آرمان‌هایی است که همواره ذهن بشر را به خودش مشغول نموده است، در واقع توسعه روستایی و نقش آن در توسعه در گرو توسعه منابع انسانی است. در جامعه امروزی رسیدن به اهداف توسعه نیازمند توجه گسترده به منابع انسانی به ویژه زنان است. به باور کارشناسان و دست اندرکاران امر پژوهش این مهم بیش از هر چیز در گرو توسعه منابع انسانی است. در این راستا دستیابی به توسعه واقعی بدون استفاده از ذخیره عظیم نیمی از پیکره جامعه یعنی زنان امری غیر ممکن خواهد بود. اغلب زنان روستایی در کشورهای در حال توسعه به عنوان قشری حاشیه ای، غیر فعال و غیر مولد برشمرده می‌شوند. برنامه ریزان توسعه به زنان روستایی و نقش آنان در فرایند تحول و توسعه جامعه روستایی چندان توجهی نداشته‌اند. مساله بغرنجی که وجود دارد این است که به زنان آن طور که باید اهمیت داده نمی‌شود. از طرف دیگر اگر بخواهیم به اهمیت نقش زنان روستایی در توسعه و پیشرفت کشور پی ببریم، کفایت تصور کنیم زنان روستایی و فعالیت‌ها و وظایف ایشان نبود؛ واقعا چه اتفاقی رخ می‌داد؟ لذا ارتقاء توانمندی زنان در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و شناسایی و رفع موانع مشارکت زنان یک شرط لازم برای دستیابی به توسعه پایدار است.

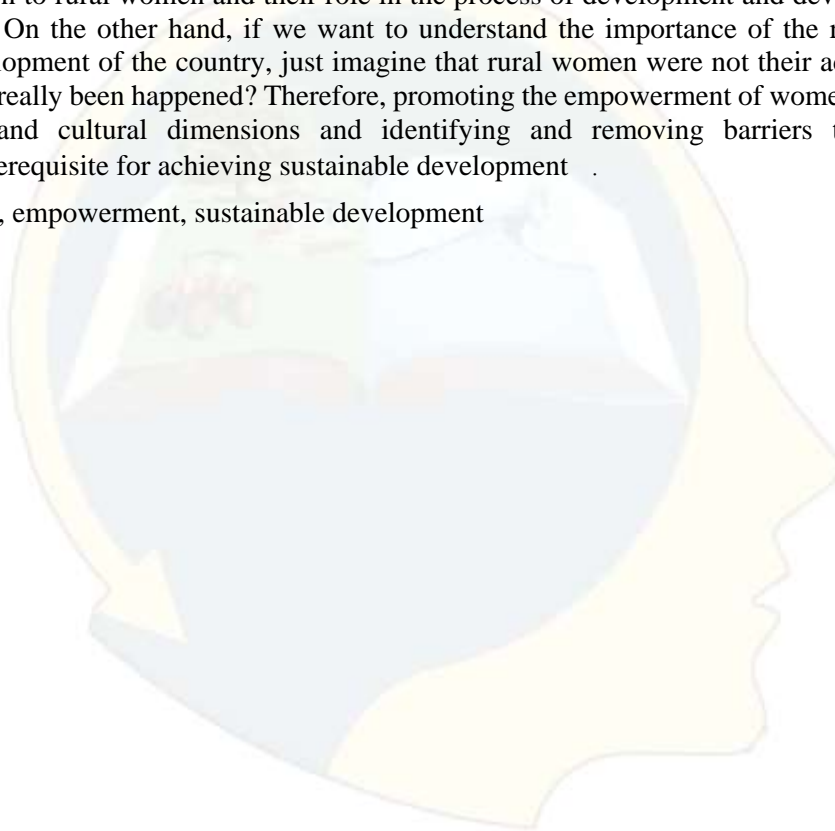
واژه‌های کلیدی: زنان، توانمندسازی، توسعه پایدار

## Barriers of Rural Women's Participation and empowerment in Sustainable Development

### Abstract

Achieving the development and improvement of the life quality is one of the challenges has always attracted the human mind. Rural development and its role in development depend on the development of human resources. In today's society, the attainment of development goals requires a widespread focus on human resources, especially women. Experts and practitioners believe this important depends on the development of human resources. In this regard, achieving real development without the massive storage of half the structure of society, women would be impossible. Most rural women in developing countries has been considered as a marginal, passive and non-productive stratum. Development planners did not pay enough attention to rural women and their role in the process of development and development of rural communities. On the other hand, if we want to understand the importance of the role of rural women in the development of the country, just imagine that rural women were not their activities and duties; what would really been happened? Therefore, promoting the empowerment of women in various economic, social and cultural dimensions and identifying and removing barriers to women's participation is a prerequisite for achieving sustainable development .

Key words: women, empowerment, sustainable development



## ۱. مقدمه

دستیابی به توسعه و بهبود کیفیت زندگی از آرمان هایی است که همواره ذهن بشر به خودش مشغول نموده است نظر به اینکه توسعه اقتصادی به تغییر برنامه ریزی شده ساخت تولید تأکید دارد، بنابراین بدلیل سهم کشاورزی در تولید و اشتغال، راهبردهای توسعه‌ای معمولاً بر صنعتی شدن سریع شهری و به زیان کشاورزی و توسعه روستایی منجر شده است (Chalton, 1984) جامعه ای می‌تواند به توسعه دست پیدا کند که همه اقشار و افراد آن ظرفیت توسعه پذیری را داشته باشند.

به باور کارشناسان و دست اندرکاران امر پژوهش این مهم بیش از هر چیز در گرو توسعه منابع انسانی است. در این راستا دستیابی به توسعه واقعی بدون استفاده از ذخیره عظیم نیمی از پیکره جامعه یعنی زنان امری غیر ممکن خواهد بود (پاسبان، ۱۳۸۸). پژوهشگران و برنامه ریزان توسعه به زنان روستایی و نقش آنان در فرایند تحول و توسعه جامعه روستایی چندان توجهی نداشته اند. بیشتر زنان روستایی در کشور های در حال توسعه و کم توسعه به عنوان حاشیه ای غیر فعال و غیر مولد بر شمرده می‌شوند. بنابراین، آنها به تدریج از فعالیتهای توسعه طلبانه همچون گسترش باسوادی، آموزش مهارت‌های نوین، توزیع عادلانه درآمد و ارتباط با بازار کار محروم می‌شوند (قلی زاده، ۱۳۸۷). دستیابی به توسعه پایدار بدون مشارکت فعال زنان در تمامی عرصه ها اعم از خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی امکان پذیر نیست. از دیر باز باور عمومی بر این بود که زنان اساساً فاقد توانایی های لازم بوده و فقط قادر به انجام برخی وظایف سنتی و مشخص می‌باشند و همین اعتقاد تمامی اعتماد بنفوس زنان را در قبال توانایی خود را در هم شکسته و این تفکر مرسوم را در جامعه قوت بخشیده است (فرخی، ۱۳۷۶).

مطالعات انجام شده در تعداد زیادی از جوامع نشان داده است که زنان عامل مهمی برای رشد و توسعه هستند (اکبری، ۱۳۹۱). دستیابی به توسعه جز با مشارکت زنان امکان پذیر نیست. بعبارت دیگر میزان مشارکت زنان یکی از شاخص های رشد و توسعه اقتصادی-اجتماعی محسوب می‌شود (فرخی، ۱۳۷۶). نبود آمار دقیق در زمینه شناخت نوع و میزان مشارکت زنان در روستاها و بی اهمیت دانستن آنها از سوی برنامه ریزان توسعه و نداشتن مهارت عملی زنان در مطالعه وضعیت خود سبب شده تا زنان همیشه به عنوان عناصر وابسته به مردان به شمار آیند و هرگز از استقلال اجتماعی-اقتصادی برخوردار نباشند (قلی زاده، ۱۳۷۸). سید هدایت الله غفاری به نقل از گیرشمن بیان می‌کند: در روزگاران نخستین در سراسر مشرق زمین حوزه فعالیت زنان محدود به خانه و خانداری نبوده و آنها همچون مردان در فعالیت اجتماعی-اقتصادی جامعه مشارکت فعالی داشته اند. براساس گزارش بانک جهانی پنجاه درصد نیروی کار کشاورزی جهان در اختیار زنان قرار دارد (فاضل نیا؛ هاشمی، ۱۳۹۴). و این بخش بزرگ جامعه نقش بسیار بسزایی در تولید محصولات کشاورزی و صنایع دستی و خدمات و نیز روند توسعه روستایی داشته اند (پاسبان، ۱۳۸۸). و آنان مسئول آماده کردن غذای دو سوم جمعیت جهان هستند (فاضل نیا؛ هاشمی، ۱۳۹۴).

بهرحال نقش زنان در ایجاد فرصت درآمد زا انکار ناپذیر است، زیرا آنها می‌توانند با ارتقای سطح توانمندی هایشان نوعی بهزیستی را برای اعضای خانواده خود به ارمغان بیاورند (Alston, 1995). بنابراین مشارکت زنان می‌تواند بعنوان عامل اصلی در موفقیت برنامه ها به شمار آورد و از این لحاظ زنان می‌باید در شکل دادن به برنامه ها دخالت نمایند و احساس نمایند که برنامه متعلق به آنان است (صفری شالی، ۱۳۸۰).

## ۲. مبانی نظری

### ۲.۱. مفهوم توسعه و توسعه پایدار

برای درک فرایند توسعه پایدار، نخست به مفهوم توسعه اشاره می‌شود. باید توجه داشت که توسعه، فرایندی بیطرف نیست، بلکه فرایندی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که چشم انداز ایدئولوژیک افراد هدایت کننده آنرا بازتاب می‌دهد. دوم اینکه، توسعه مسأله ای طبقاتی است که در بخشهای گوناگون هر جامعه گسست ایجاد می‌کند (فنی زهره، ۱۳۸۸). در وصف توسعه تعاریفی نیز وجود دارد

که مراد از همه آنها گذار از یک وضع به وضعی بهتر است. توسعه تحولی است چند بعدی و عمدتاً اقتصادی، اجتماعی که در هر مقطعی از تاریخ در عالم واقع رخ داده و هر تعریف باید مبتنی بر ویژگی های همان رخداد معین باشد (طالبان، ۱۳۷۹).

تعدادی از پژوهشگران و صاحب نظران در زمینه توسعه بر این باورند که، تمامی افراد یک جامعه باید به اندازه مساوی در فرایند توسعه مشارکت کنند و از آثار و منافع آن بهره مند شوند. توسعه نباید به روشی اعمال شود که به گروه ذینفع و گروه دیگر زیان دیده باشد (قلی زاده، ۱۳۷۸).

مفهوم توسعه پایدار در کشورهای مختلف به روش های گوناگون تعریف، درک و تفسیر شده است. این تفاوت ها، تنوع در شرایط زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را منعکس می کند. رایبسون معتقد است، منظور از توسعه پایدار، روندی از توسعه اقتصادی است که منابع را تحلیل نبرد و هزینه های زیست محیطی منفی برای بقای کره زمین ایجاد ننماید (Tsenkova, 1999).

رایج ترین و شاید نخستین تعریف از "توسعه پایدار" که شاید جامع ترین و معتبر ترین تعریف از آن مفهوم باشد، تعریفی است که "کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه" معروف به کمیسیون "برانت لند" در گزارش "آینده مشترک ما" ارائه کرده است. در این تعریف آمده است: "توسعه پایدار" توسعه ای است که نیازهای زمان حال را بدون به خطر انداختن توانایی نسل های آینده برای برآوردن نیازهایشان برآورده سازد و اینکه توسعه پایدار رابطه ی متقابل انسان و طبیعت در سراسر جهان است.

و با توسعه پایدار فرایند تغییری است در استفاده از منابع، هدایت سرمایه گذاری ها، سمت گیری توسعه ی تکنولوژی و تغییر نهادی است که با نیازهای حال و آینده سازگار باشد (UNESCO, 1997).

#### ۲.۱.۱ توسعه پایدار روستایی

روشن نیا و همکاران به نقل از (Sardf, 2005) توسعه پایدار روستایی را چنین تعریف کردند: توسعه پایدار روستایی عبارت است از فرایند کمک به مردم روستایی از طریق اولویت بندی نیازهایشان، فعال نمودن آنها و سرمایه گذاری در زمینه ایجاد زیرساخت ها و ارائه خدمات اجتماعی، برقراری عدالت و برابری با توجه به ظرفیت های محلی، و رفتار برخلاف همه بی عدالتی های گذشته و تضمین سالمی و امنیت آنها به ویژه زنان.

#### ۲.۲ اهمیت و نقش محوری زنان روستایی

زنان بنا به اراده پروردگار حیات بخش و پرورش دهنده انسان خاکی هستند (منصورآبادی، ۱۳۸۳). به طوری که اولین و مهم ترین وظیفه طبیعت بر عهده آنان گذاشته است. باروری، جان بخشیدن به فرزندی، شیردادن و رسیدگی اولیه به کودک است. که بقای نسل و اساس هستی انسان ها را رقم میزند. و این وجود هستی ساز آنها را از مردان متمایز می نماید. زن دوشادوش و همراه مرد در سراسر زندگی بشر نقش اساسی را بازی کرده است. و این دو همواره مکمل بوده اند. زنان نیز همواره در پی سلامت، ثروت، آسایش، ارتقاء سطح معلومات، آگاهی ها، مهارت ها و کمال جویی های خود هستند و نشان داده اند که می توانند افرادی مطلع، خلاق، صاحب نفوذ، کار آمد و مدیر باشند، حس کنجکاو خود را ارضاء کنند، دوست بدارند و در مورد محبت قرار بگیرند (حیدری و جهان نما، ۱۳۸۲). زنان روستایی نقش مهم و تعیین کننده ای در روند توسعه روستایی دارند. به طوریکه در جنبه اقتصادی، زنان روستایی تولید کننده بیش از نیمی از تمام مواد غذایی ای هستند که از مناطق روستایی تولید می شوند.

زنان در واقع مدیران اقتصادی خانوار بوده، بسیاری از فعالیت های مرتبط، آماده سازی، نگهداری و فرایند مواد غذایی را برعهده دارند و در امور مربوط به نگهداری از دام و تهیه مواد غذایی، جمع آوری سوخت و مدیریت اقتصادی خانواده نیز نقش عمده ای ایفا می کنند. به طوری که در چند سال اخیر، این نکته به خوبی روشن شده است که سهم عمده ای از درآمد خانوار روستایی از طریق فعالیت زنان به دست می آید. و در برخی موارد حتی سهم درآمد زنان در اقتصاد خانوار بیش از سهم مردان است. در فراوری مواد غذایی نیز، نه تنها مدیریت تغذیه، تامین مواد غذایی بلکه نقش اساسی را نیز در جمع آوری و تامین سوخت برای تهیه و تولید مواد غذایی بر عهده دارند (عمادی، ۱۳۷۷).

### ۲.۳. مشارکت زنان و توسعه پایدار روستایی

در ادبیات توسعه به ویژه توسعه پایدار، واژه مشارکت از جایگاه خاصی برخوردار است. مفهوم واژه مشارکت، امروزه تبدیل به یکی از واژه های کلیدی در فرهنگ توسعه شده است. با وجود این، هنوز برداشت مشخص و یکسان از مفهوم مشارکت وجود ندارد و به بیان ساده مشارکت نزد کارشناسان مختلف توسعه، معانی متفاوتی می دهد. این تفاوت برداشت تنها شامل درک معنی واژه مشارکت نشده، بلکه ریشه های تاریخی، کاربرد عملی و یا دلالت های نظری آن را نیز در بر می گیرد. با توجه با تعریف فائو (۱۹۸۹) می توان مشارکت را عبارت از دخالت مردم در توسعه و تکامل خود، زندگیشان و محیط زیست دانست (فمی و همکاران، ۱۳۸۳).

بنابراین در جهان امروز مشارکت هر چه بیشتر مردم در تمام زمینه های اجتماعی از ویژگی های عمده جامعه مدنی و توسعه یافتگی یک کشور شناخته می شود. در سطح جهان بیشترین تمرکز برچگونگی دستیابی به اهداف توسعه همه جانبه، کسب شخصیت اجتماعی، وابسته به مشارکت و خارج شدن از دایره فعالیت های شخصی و خصوصی است. و از این روست که امروزه کوشش برای توسعه همه جانبه هر کشوری بیش از پیش متوجه مشارکت زنان شده است (حیدری، ۱۳۹۲). مشارکت افراد بویژه زنان در روند توسعه نزد صاحب نظران از چنان اعتباری برخوردار است که بعضا توسعه را معادل مشارکت دانسته و یا مشارکت را وسیله یا هدف توسعه ذکر کرده اند (Ghafari, 2011). زن روستایی هم در تولید کشاورزی و دامی سهم عمده ای دارند هم نقش خاص در خانه داری ایفا می کنند. زن روستایی معمولا در همه کارهایی که مرد روستایی (با ملاحظات تقسیم کار) انجام می دهد مشارکت دارد، اما مرد روستایی در انجام همه کارهایی که زن روستایی انجام می دهد مشارکت ندارد، زنان روستایی اگرچه نقش کلیدی در بسیاری از موارد مربوط به تولید و توسعه مانند تأمین امنیت غذایی، پایداری محیط زیست، کاهش فقر و ... برعهده دارند. ولی کماکان آمارهای دقیقی از میزان مشارکت واقعی آنان وجود ندارد و نقش آنان همواره بصورت پنهان باقی مانده است و جای تأسف بیشتر آنکه این نقش ها را نه خود و نه دیگران و نه برنامه ریزان کشاورزان باور دارند و همچنان به عنوان شرکای "نامرئی" هستند (محمدی یگانه و احمدی ۱۳۸۶).

### ۲.۴. موانع و مشکلات مشارکت زنان در برنامه های توسعه

اگر چه زنان باید نیمی از نیروی فعال هر جامعه بشمار بروند و در برنامه های توسعه از سهم مادی و معنوی هم سنگ با نقش شان برخوردار باشند، اما از نظر اشتغال، کسب و درآمد، برخورداری از تحصیلات و احراز مقام های اجتماعی هنوز در سطح بسیار پایین قرار دارند. (Heidari, 2013) موانع و مشکلاتی بر سرراه حضور زنان در برنامه های توسعه ای وجود دارد. زنان در جامعه روستایی بیش تر در آن بخش از فعالیت های روستایی مشارکت دارند که بیشتر در منزل و یا مزارع شان انجام می گیرد، حضور زنان در خارج از خانه و مزرعه کم رنگ است. فرهنگ، داشتن نقش خانه داری و همچنین، سطح سواد و اطلاعات پایین را می توان بخشی از علل این امر دانست (نعیمی و همکاران، ۱۳۹۶). اما چنان که در تحقیقات دیگران هم آمده موانع و مشکلاتی فراروی فعالیت های تولیدی آنها وجود دارد که مهم ترین آنها عبارت است از عوامل فردی (سطح سواد پایین، کمی اطلاعات و آگاهی های علمی و ترویجی، سطح سواد و درآمد پایین و...)، عوامل خانوادگی از قبیل جایگاه پایین زنان روستایی در تصمیم گیری ها، بعد خانوار و حجم زیاد فعالیت های داخل و خارج منزل، اعتقادات مذهبی و آداب و سنن خانوادگی است (آجیلی و شیری، ۱۳۸۰).

میرک زاده و همکاران (۱۳۸۹) در بررسی خود مهم ترین موانع و مشکلات مشارکت زنان روستایی را مواردی مانند آداب و رسوم و اعتقادات سنتی حاکم بر روستا و مردم و تمسخر و ایرادهای اهالی و نارضایتی مردان برشمردند. اطاعت و توکل (۱۳۹۴) در تحقیق خود نبود روحیه خودباوری در زنان را یکی از موانع مشارکت زنان می دانند.

پاسبان (۱۳۸۸)، موانعی که بر سرراه زنان برای مشارکت در توسعه روستایی است را به سه دسته زیر تقسیم می کند.

۱. موانع اجتماعی شامل:
    - ۱.۱. مرد سالاری و عدم اجازه حضور زنان در فعالیت های گروهی
    - ۱.۲. آداب و سنن غلط نظیر خرافات، تقدیر گرایی
    - ۱.۳. دوران دسترس بودن خدمات ترویجی و سوگیری فعالیت های اجتماعی و برنامه های مشارکتی به سمت مردان
    - ۱.۴. دسترسی کم زنان به اعتبارات و تسهیلات و نهاد ها و عوامل تولید
    - ۱.۵. کمبود متخصصان زن جهت آموزش زنان روستایی
    - ۱.۶. مشکلات دسترسی به خدمات و تسهیلات اجتماعی و بهداشتی
    - ۱.۷. پایین بودن دستمزد زنان روستایی در مقایسه با مردان
  ۲. موانع خانوادگی:
    - ۲.۱. عدم آگاهی نسبت به نحوه برخورد با دختران و زنان
    - ۲.۲. تعصبات خانوادگی و موافقت نکردن شوهر یا پدر با حضور زنان در فعالیت های اجتماع اقتصادی، فرهنگی و یا تمایل نداشتن به از دست دادن نیروی منزل
      - ۲.۳. باورنگرش منفی نسبت به توانایی آنان
      - ۲.۴. تبعیض های جنسیتی
      - ۲.۵. فقر اقتصادی خانواده
  ۳. موانع فردی:
    - ۳.۱. پایین بودن سطح سواد که علاوه بر مشکلات فراوان منجر به عدم اعتماد به نفس، احساس حقارت، کناره گیری و خود کم بینی
    - ۳.۲. حجم زیاد فعالیت آنان و افزایش کار داخل و خارج خانه به دلایل مختلف از جمله مهاجرت فصلی مردان و تنوع زیاد کار زنان
    - ۳.۳. روستایی (بچه داری، امور منزل، کشاورزی، صنایع دستی، دامپروری)
    - ۳.۴. کم بودن اطلاعات، دانش و آگاهی های علمی و کاربری آنها
    - ۳.۵. سوء تغذیه و پایین بودن ضریب سلامت و بهداشت فردی
- علاوه بر موارد فوق می توان به مواردی از قبیل دسترسی هاوانزوای روستاها بر اشتغال زنان شرایط جغرافیایی حاکم بر محل، کیفیت دسترسی ها، دوری و نزدیکی به مراکز توسعه و خدمات و تسهیلاتی که خانوارها از آن بهره مند می باشند بر شرایط زیست زنان از جمله بر شرایط کاری، سلامتی و رفاه آنان تأثیر گذار می باشد. به طوری که مطالعات نشان داده است که نواحی با مزارع کوچک زیاد معمولاً نسبت کارگران کشاورزی زن بیشتری دارد.
- به طور کلی شاخصه هایی جهت انزوا یا عدم انزوای روستایی برگزیده شده اند عبارتند از:
- دوری و نزدیکی به شهر: این عامل هم از جهت امکان برخورداری روستائیان از خدمات موجود در شهر و هم دسترسی به بازار فروش محصولات و کاهش هزینه حمل و نقل حائز اهمیت است.
  - میزان بهره مندی از تسهیلات و خدمات اجتماعی - رفاهی که بدون شک در ارتقاء سطح رفاه و بهداشت و آموزش روستائیان اهمیت بسزایی دارد. همچنین اغلب روستاهایی قادر به جذب این گونه خدمات می باشند که خود به سطحی از توسعه یافتگی دست یافته باشند و لذا روستاهای منزوی و کوچک توان اندکی در جذب خدمات عمومی دارند. در این گونه روستاها نیز زنان ساعات بیشتری را جهت رفع نیازهای خانواده و شرکت در امر تولید صرف می نمایند (دادورخانی، ۱۳۸۵).

انزوای فیزیکی زنان برای محققین و پژوهشگران بویژه محققین مرد محدودیتی را پدید آورده است تا نتوانند نقش واقعی زنان را در زندگی اقتصادی و اجتماعی کشورهای مختلف مطالعه و بررسی کنند در حقیقت جدایی و انزوای اجتماعی زنان سبب شده که کار و مشارکت آنها در فرایند توسعه کمتر مورد توجه قرارگیرد. به نظر می رسد که زنان همسویی و هماهنگی چندانی با بازار روستا و اقتصادپولی ندارند. انزوای فیزیکی محرومیت زنان، آنها را از دنیای بیرون بریده است و تنها می توانند به وسیله خویشاوندان و وابستگان و وابستگان مرد با دنیای بیرون از خانه تماس برقرار کنند که این امرتها در مورد زنانی مصداق پیدا می کند که برای مواظبت و پشتیبانی از خود خویشاوند مرد دارند (قلی زاده، ۱۳۷۸).

### ۲.۵. توانمند سازی زنان روستایی

یکی از موانع رشد و بهبود وضعیت زنان روستایی، توانمند نبودن آنان به علت برخی شرایط غلط گذشته و سنت های اشتباه می باشد. ذکر این نکته هم حائز اهمیت است که در تعاریف غربی، توانمندی زنان، بدون توجه به معیارهای ارزش مند خانواده معرفی می شود، بنابراین در انتقال این مفهوم به فرهنگ کشورمان نیازی به پذیرفتن نقاط ضعف آن نیست. توانمندسازی زنان فرایندی پویاست که توانایی زنان را برای تغییرساختارها وایدئولوژی هایی که آنها را در موقعیت فرودستی نگه داشته است، دربرمیگیرد. این فرایند زنان را در دستیابی بیشتر به منابع و کنترل بر زندگی کمک می کند، موجب احساس استقلال و اعتماد به نفس بیشتر آنها می شود و عزت نفس آنها را افزایش می دهد. سریلاتا باتلیوالا، توانمندی زنان را به این صورت تعریف می کند: توانایی زنان برای به دست آوردن آگاهی و کنترل کردن نیروهای شخصی، اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی با هدف اقدام برای بهبود زندگی شان (Menon, 2003). کلروام بی وو، نیز توانمندی زنان را فرآیندی می داند که زنان طی آن برای سازماندهی خود توانمند می شوند، اعتماد به نفس خود را افزایش می دهند و از حقوق خود برای انتخاب مستقل و کنترل بر منابع که منجر به از بین رفتن جایگاه فرودستی آنها می شود، دفاع می کنند. دومین عنصر عاملیت است، یعنی اینکه زنان را نباید فقط به عنوان دریافت کنندگان خدمات در نظر گرفت، بلکه خود زنان باید به عنوان بازیگران اصلی در فرآیند تغییر به ویژه در تدوین انتخاب های مهم زندگی و کنترل بر منابع و تصمیماتی که تاثیر مهمی در زندگی ایشان دارند، در نظر گرفته شود. سومین عنصر دستاوردها یا پیامدهاست که در اثر فرآیند توانمند سازی ایجاد می شود (سعدی و همکاران ۱۳۹۱). توانمندسازی موضوعی است چند بعدی که می تواند در ابعاد مختلف تحقق یابد. توانمندسازی زنان را وابسته به دامن های از عوامل می داند که ابعاد روانی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را شامل می شود. همچنین، شش بعد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی، سیاسی، روانی، قانونی و حقوقی، را در توانمندسازی زنان مدنظر قرار می دهد. ارتقاء توانمندی زنان در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی، یک شرط لازم برای توسعه پایدار است. این امر در نواحی روستایی که زنان از دیرباز و به طور سنتی در کارهای اقتصادی خانواده مشارکت داشته اند، از ضرورت بیشتری برخوردار است. به طوری که در حال حاضر توانمندسازی زنان روستایی در ابعاد مختلف یکی از موضوعات محوری در فرآیند توسعه برای بسیاری از کشورها است. فعالیت های اقتصادی زنان روستایی نقش موثری در اقتصاد مناطق روستایی دارد. تولید صنایع دستی، به ویژه فرش دستباف یکی از این فعالیت ها است که در اکثر مناطق روستایی ایران از گذشته های دور رواج داشته است به طوری که برخی معتقد است به هر میزان زنان روستایی به امکانات، منابع و مهارت های متعدد دست یافتند موجب گردید که مقام و منزلت آنها در سطح جامعه ارتقاء یابد و از ظرفی در اقتصاد خانوار و جامعه کمک موثر نماید و این تفکر که زنان عناصری غیر فعال هستند که فقط وظیفه خانه داری را بر عهده دارند به مرور از اذهان زدوده خواهد شد (علیائی و نیستانی ۱۳۹۱).

### ۳. بررسی پیشینه تحقیق

صمدیان و یزدان پناه (۱۳۸۷) در بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی زنان شهر کرمان به این نتیجه رسیدند که متغیر های زمینه ای (وضعیت تاهل، تحصیلات) با مشارکت رسمی رابطه معنادار داشته است. و از طرف دیگر ویژگی خانوادگی با مشارکت غیر رسمی رابطه مثبت و معناداری داشته است.

حیدری (۱۳۹۲) در بررسی میزان مشارکت زنان روستایی در توسعه روستایی دهستان امام زاده جعفر (استان کهگیلویه و بویر احمد) به این نتیجه رسید که متغیرهای زمینه ای (انگیزه، آگاهی رضایت از خدمات ارائه شده، سن، دسترسی به رسانه های جمعی و غیره) با مشارکت زنان رابطه معناداری وجود داشته است.

نعیمی و همکاران در بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در فعالیت های روستایی در شهر گرمسار به این رسیدند که همبستگی مثبت و معنی داری بین سن کانال های ارتباطی بر مشارکت وجود دارد به این معنی که با افزایش سن، استفاده از کانال های ارتباطی مقدار مشارکت افزایش می یابد.

میرک زاده و همکاران (۱۳۸۹) در بررسی موانع و مشکلات زنان روستایی در برنامه های آموزشی و ترویجی به این نتیجه رسیدند که جدی ترین موانع و مشکلات مشارکت زنان روستایی ریشه در مشکلات فرهنگی (ساختار خانواده، تفاوت های جنسیتی، عدم اشتغال اقتصادی و غیره) دارد.

امیری اردکانی (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه های ترویجی که ریشه در مشکلات فرهنگی دارد تاکید می کند از جمله آن مشکلات می تواند اشتغال زنان، فعالیت زیاد خاننداری و سطح سواد، تعداد فرزندان اشاره می کند. کنگو و همکاران (Kongolo et al, 2002)، در تحقیقاتشان در آفریقای جنوبی بیان کردند که کمبود اطلاعات، کمبود منابع و کمک دولت، کمبود آموزش و پرورش، ارزش های فرهنگی و تبعیض در مقابل زنان روستایی، مهمترین فاکتورهایی هستند که به عدم مشارکت زنان روستایی در توسعه روستایی کمک می کند.

فخرایی (۱۳۷۶) در مقاله "جامعه شناسی موانع فرهنگی مشارکت اجتماعی زنان در ایران"، به بررسی تاثیر ارزش های فرهنگی جامعه ایران، به عنوان موانعی برای افزایش مشارکت زنان می پردازد او معتقد است این عوامل فرهنگی به علت، گستردگی، می تواند به اشکال مختلف در آداب و رسوم ارزش ها و هنجارهای جامعه و مذهب و بینش افراد نمود پیدا کند و مانعی برای مشارکت توده بی زنان در صحنه های مختلف جامعه محسوب شود.

### نتیجه گیری

امروزه توسعه، تنها به معنای افزایش تولیدات کشاورزی، بهبود تغذیه و دریک کلام رفاه عمومی و بهبود سطح زندگی روستائیان تلقی نمی شود، بلکه توسعه یعنی بکارگیری تجربیات و اندوخته های مردم به منظور استفاده بهینه از منابع محلی و بارور ساختن آنها برای دستیابی به رفاه اجتماعی است. بنابراین مسیر توسعه، نه از کنار مردم، بلکه از درون مردم می گذرد و به مردم ختم می شود. در این میان نقش زنان روستایی، به عنوان اهرم های مهم و نیروهای پیش برنده اساسی جامعه روستایی، سالهاست که در توسعه، به عنوان موضوعی بین المللی مورد توجه قرار گرفته، و توجه جدی جهانیان را به خود جلب کرده و زمینه های لازم را برای توجه هر چه بیشتر به مسائل زنان فراهم آورده است. (علیائی، ۱۳۹۱). امروزه با توجه به اهمیت وجود زنان در پیشبرد برنامه های توسعه ای دولت باید حداقل امکان توجه خودش را به زنان معطوف کند و آنها را در دسترسی به منابع، فناوری و آموزش های لازم یاری رساند، و همچنین از پژوهش در زمینه مشارکت زنان در برنامه های توسعه ای حمایت کند.

منابع

[1] ELLen, sue; Chalton, M. (1984). Women in thired world development. Boulder and Londen: westview press.

[2] پاسبان، فاطمه. (۱۳۸۸). نقش زنان در توسعه روستایی، پژوهشنامه، شماره ۴۲

[3] قلی زاده، آذر. (۱۳۷۸). بررسی علل نادیده گرفتن نقش زنان روستایی در فرایند توسعه کشورهای در حال توسعه، اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۲۷

[4] فرخی، طاهره. (۱۳۷۶). نقش زنان در توسعه پایدار: تواناسازی زنان، شماره ۷۴

[5] اکبری، حسین. (۱۳۹۱). زن در توسعه و سیاست، شماره ۳۹



- [6] فاضل نیا، غریب؛ هاشمی، رضوان. (۱۳۹۴). تحلیل باورهای اجتماعی - فرهنگی باز دارنده مشارکت زنان روستایی در فرآیند برنامه ریزی و مدیریت توسعه پایدار روستایی (مطالعه موردی: شهرستان رستم)، زن و جامعه، شماره ۱
- [7] Alston, M. (1995). "Women and their work on Australian", M (1995) Women and thir Work on Australian Farms, Rural sociology 60(3).
- [8] صفری شالی، ر. (۱۳۸۰). نقش توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان در توسعه پایدار روستایی، مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی و عشایر، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد کشاورزی.
- [9] فنی، زهره. (۱۳۸۸). توسعه، جهانی شدن و پایداری (جغرافیای توسعه)، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- [10] طالبان، محمد رضا. (۱۳۷۹). معضل تعریف توسعه، روش شناسی علوم انسانی، شماره ۲۴ و ۲۵
- [11] Tsenkova Sasha (1999). "Sustainable Urban Development In Europe: Myth Or Reality?" Joint Editors and Blackwell Publishers Ltd 1999. Published By Blackwell Publishers
- [12] UNESCO, Educationg for a sustainable Future (Thsealonilc UNESCO, Government of Greece 1997), p. 13.
- [13] روشن نیا، داود؛ خادمی، رقیه؛ کردی، لیلا؛ صلحی فام اصل. (بی تا). ژیلا بررسی نقش زنان روستایی در توسعه وموانع و محدودیتهای آنان
- [14] منصورآبادی، ا. (۱۳۸۳). مقایسه نگرش زنان و مردان برنج کار نسبت به کشاورزی پایدار و سازههای مؤثر بر نگرش و رفتار پایداری آنان مطالعه موردی شهرستان کازرون. پایاننامه دوره کارشناسی ارشد، بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز.
- [15] حیدری، غ و جهان نما، ف. (۱۳۸۲). تواناییهای زنان در بخش کشاورزی - روستایی. فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۶، صص ۱۶۴ - ۱۲۹.
- [16] عمادی، م. (۱۳۷۷). تسریع روند توسعه روستایی از طریق اولویت بخشی به زنان و تحول در پژوهش. فصلنامه روستا و توسعه، سال ۲، شماره ۴، صص ۲۵ - ۱.
- [17] شعبانعلی فمی، ح.، علی بیگی، الف و شریفزاده، الف. (۱۳۸۳). رهیافتها و فنون مشارکت در ترویج کشاورزی و توسعه روستایی، تهران: انتشارات مؤسسه توسعهی روستایی ایران
- [18] حیدری، علی. (۱۳۹۲). بررسی میزان مشارکت زنان روستایی در توسعه روستایی (نمونه موردی: دهستان امام زاده جعفر، استان کهگیلویه و بویر احمد)، برنامه ریزی فضایی (جغرافیا)، شماره ۹
- [19] Ghafari, R. And Torki Harche Gali, M, (2011). Study of effective factors on participation of women and girls in development of rural regions, Chaharmahal and Bakhtiari (case study: village of Farsan), sociology quarterly of juvenile studies, 2(3). Pp109-130.
- [20] محمدی یگانه، بهروز و احمدی (۱۳۸۶)، توسعه پایدار روستاییبا تاکید بر نقش زنان، ماهنامه علمی، اجتماعی، اقتصادی جهاد، سال اول، شماره ۲۷۱، صص ۱۵۰-۱۳۸
- [21] Heidari, A, (2013). "Study of rate of the rural women s participation in rural development (Case Study: Immamzadeh Jafar village, Kohgiluyeh and Boyer Ahmad), Spatial Programming Magazine (geography), 3(2). pp143-156.
- [22] نعیمی، امیر؛ نجفلو، پریسا؛ صلاحی مقدم، نفیسه؛ گلپاز، سیده شیرین. (۱۳۹۶). عامل های مؤثر بر مقدار مشارکت زنان روستایی گرمسار در فعالیت روستایی، زن و جامعه، شماره ۱
- [23] آجیلی، عبدالعظیم و شیرینی (۱۳۸۰)، آموزش زنان روستایی و نقش آن در توسعه فعالیت های اقتصادی و اجتماعی، نشریه دهاتی، شماره ۵۱، صص ۲۸۱-۲۷۵.
- [24] میرک زاده، علی اصغر؛ علی آبادی، وحید؛ شمس، علی. (۱۳۸۹). واکاوی موانع و مشارکت زنان روستایی در برنامه های آموزشی و ترویجی، روستا و توسعه، شماره ۲

- [25] اطاعت، جواد؛ توکل، متین. (۱۳۹۴). زنان و توسعه پایدار سیاسی (با تأکید بر ایران)، شماره ۲، ۳۰۲
- [26] دادورخانی، فضیله؛ احمدی، منیژه. (۱۳۸۸). تبیین عوامل موثر بر مشارکت زنان در تصمیم گیری های اقتصادی-اجتماعی در مناطق روستایی چیر- یامچی شهرستان زنجان، مجله پژوهش زنان، صص ۹۵-۱۱۳
- [27] Menon, L. (2003). Organization strategies in women's Health: an information and Action Hand book Manila: Ls is intermational
- [28] سعدی، حشمت اله و شعبانی قمی و لطیفی سمیه، ۱۳۹۱. سنجش میزان توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان قالیباف روستایی و عوامل موثر بر آن تهران. مجله زن در توسعه و سیاست. دوره ۱۰ شماره ۲
- [29] محمدصادق علیائی و مهدی دهقان نیستانی، ۱۳۹۱. بررسی توانمندیهای اقتصادی زنان قالیباف تکاب افشار و نقش آنان در توسعه روستایی مطالعه موردی روستاهایی شهرستان تکاب (استان آذربایجان غربی)، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال پنجم/شماره اول
- [30] یزدان پناه، لیلا؛ صمدیان، فاطمه. (۱۳۸۷). تاثیر ویژگی های فردی و اجتماعی بر مشارکت اجتماعی زنان کرمانی، مطالعات اجتماعی - روانشناختی، شماره ۱۷
- [31] امیری اردکانی، محمد. (۱۳۸۵). موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه های ترویجی، ماهنامه جهاد، شماره ۲۷۲
- [32]Kongolo, M and Bamgose, O.O, 2002. Participation of Rural Women in Rural Development: A Case Study of Tsheseng, Thintwa, and Makhalaneng Villages, South Africa. Journal of International Womens Studies, 4 (1), pp56- 59
- [33] سیروس فخرایی، ۱۳۷۶. "جامعه شناسی موانع فرهنگی مشارکت اجتماعی زنان در ایران." در مجموعه مقالات چهارمین گردهم آیی سیمای زن در جامعه: زن و توسعه فرهنگی، تهران: مرکز پژوهش های بنیادی دانشگاه الزهراء، صص ۸۱-۹۲